

یک کارشناس روابط بین الملل:

ادبیات آقای ظریف از اساس دارای دوگانگی و تناقض است

یک کارشناس روابط بین الملل گفت: آثار قدرت یک کشور اساساً در میزان تفوق آن کشور در حوزه ژئوپلیتیک متجلی می شود و موفقیت سیاست خارجی در عمل وابسته به میزان قدرت در حوزه ژئوپلیتیک است.

به گزارش سایت خبری پرسون، محمد جمشیدی استاد دانشگاه و کارشناس مسائل بین الملل، درباره فایل صوتی منتشر شده از مصاحبه وزیر امور خارجه و طرح دوقطبی میدان و دیپلماسی از سوی آقای ظریف گفت: دیپلماسی یکی از ابزارهای سیاست خارجی است و ویژگی یک سیاست خارجی موفق این است که بتواند از ابزارهای خود به شکل ترکیبی و هوشمند استفاده کند که این ابزارها بستگی به قدرت هر کشور دارد. از جمله این ابزارها می توان به قدرت نظامی، توان اطلاعاتی، قدرت دیپلماسی و حتی ابزارهای فرهنگی اشاره کرد.

وی افزود: معمولاً تمامی کشورهایی که بازیگر جدی در عرصه خارجی محسوب می شوند نهایت تلاش خود را می کنند که بتوانند از تمامی مولفه ها و ابزارهای قدرت خود استفاده کنند. اما متأسفانه یک سوء برداشتی که وجود دارد این است که برخی ها گمان می کنند دیپلماسی کل سیاست خارجی است، در حالی که چنین چیزی نیست و دیپلماسی صرفاً یکی از مولفه های در اختیار سیاست خارجی به شمار می رود. وزارت خارجه در عین اینکه در شکل دهی تصمیم گیریهای سیاست خارجی شریک است اما تصمیم گیری سیاست خارجه در انحصار او نیست بلکه دستگاه های دیگر طبق قانون اساسی در این امر دخیل هستند و این رویه ای نیست که تنها محدود به ایران باشد بلکه در تمامی کشورهای دنیا همین منطق حاکم است.

این کارشناس مسائل بین الملل خاطرنشان کرد: به طور مثال آمریکا یا دیگر کشورهای نقش آفرین در حوزه بین الملل تصمیمات کلان خود را در شورای امنیت ملی خود که شامل چهره های نظامی، امنیتی و سیاست خارجی است، اتخاذ می کنند و برونداد تصمیمات نیز بین همه نهادهای عضو شورا تقسیم می شود و وظیفه سیاست خارجی، دیپلماسی در راستای تأمین همان اهداف اجماعی است که در شورای امنیت ملی به تصویب می رسد و اینکه برخی ها انتظار دارند که دیپلماسی را با سیاست خارجی یکی ببینند از نظر بنده درست نیست.

اگر شما در حوزه خاورمیانه قدرت ژئوپلیتیک دارید و دشمن نیز در برای مقابله با شما از قدرت ژئوپلیتیک خود استفاده می کند، طبیعی است که در این فضا، اشخاصی مثل حاج قاسم سلیمانی هستند که پیشتاز و میدان دار هستند و دیگر ابزارهای سیاست خارجی باید به کمک ایشان بیایند. و اینطور نیست که دیگران انتظار داشته باشند که امثال حاج قاسم در خدمت آنها قرار گیرند.

«میدان» در روابط بین الملل در قالب ژئوپلیتیک تعریف می شود

جمشیدی عنوان کرد: نکته بعدی بحث میدان و دیپلماسی است. ما در حوزه روابط بین الملل میدان را در قالب ژئوپلیتیک تعریف می کنیم. یعنی میدان داری کردن یا در میدان ها ورود کردن و به اهداف رسیدن به ویژه در حوزه خاورمیانه چیزی جز ژئوپلیتیک نیست و مفهوم ژئوپلیتیک حداقل در نگاه های رئالیستی که بر مباحث سیاست خارجی غلبه دارد، حاکم است و آثار قدرت یک کشور اساساً در میزان تفوق آن کشور در حوزه ژئوپلیتیک متجلی می شود. بنابراین موفقیت سیاست خارجی در عمل وابسته به میزان قدرت در حوزه ژئوپلیتیک است.

وی با تأکید بر اینکه کسی که بازیگر ژئوپلیتیک است همیشه پیشتاز است و دیگر ابزارهای سیاست خارجی باید ظرفیت های خود را در راستای تقویت بازیگر ژئوپلیتیک قرار دهند و اینطور نیست که عکس این قاعده درست باشد، گفت: به طور مثال اگر شما در حوزه خاورمیانه قدرت ژئوپلیتیک دارید و دشمن نیز در برای مقابله با شما از قدرت ژئوپلیتیک خود استفاده می کند، طبیعی است که در این فضا، اشخاصی مثل حاج قاسم سلیمانی هستند که پیشتاز و میدان دار هستند و دیگر ابزارهای سیاست خارجی باید به کمک ایشان بیایند. و اینطور نیست که دیگران انتظار داشته باشند که امثال حاج قاسم در خدمت آنها قرار گیرند.

این کارشناس مسائل بین الملل ادامه داد: اما در عین حال در حوزه های اروپا، شرق آسیا و آمریکای لاتین از آنجا که ما بازیگری ژئوپلیتیک قابل توجهی نداریم، طبیعتاً در این حوزه ها نقش ابزارهای دیپلماتیک به نسبت دیگر ابزارها پررنگ تر می شود. لذا این مبحث که شما بازیگر ژئوپلیتیک را بشناسید و ظرفیت خود را در اختیار او قرار دهید، جزء ذات سیاست خارجی است.

ادبیات آقای ظریف از اساس دارای دوگانگی و تناقض است

جمشیدی خاطرنشان کرد: آقای ظریف بارها بر روی این مسئله تأکید کرده است که ابزار یک دیپلمات جز سخنرانی، توبیت کردن و گفتگو نیست. سوالی که اینجا مطرح می شود این است که شما با کدام سخنرانی یا گفتگو می توانید به فرض جلوی بحران سوریه یا مدیریت تحولات انقلاب مصر یا بیداری اسلامی را در اختیار داشته باشید یا اینکه از گسترش نظامی گری اسرائیل در منطقه خلیج فارس ممانعت به عمل آوریم. لذا ادبیاتی که بیان شده، از اساس دارای تناقض و دوگانگی است و اینکه گفته می شود میدان باید در خدمت دیپلماسی قرار گیرد، کاملاً اشتباه است. البته بار دیگر تأکید می کنم که این مفاهیم در حوزه خاورمیانه معنا و مفهوم پیدا می کند.

وی یاد آور شد: یک مثال دیگری که در این حوزه می توان به آن اشاره کرد این است که شما فرض کنید وقتی ترکیه به اراضی شمال سوریه تجاوز می

کند، دیپلمات‌های ما نهایتاً می‌توانند بر اساس تقسیم‌کاری که صورت گرفته، ایده‌هایی را در این زمینه مطرح کرده و تلاش کنند تا اجماعی را در راستای منافع ملی کشور شکل دهند اما ورود به میدان برای جلوگیری از به خطر افتادن منافع ملی بر عهده قدرت میدانی و ژئوپلیتیک است.

مطالب بیان شده از سوی ظریف خلاف امنیت ملی است

این کارشناس مسائل آمریکا درباره پیامدهای بین‌المللی انتشار فایل مصاحبه وزیر امور خارجه گفت: اساساً بیان چنین مطالبی از سوی یک مقام امنیت ملی فارغ از اینکه انتشار پیدا کند یا خیر، خلاف امنیت ملی است. شخصی که در درون ساختار یک سیستم حضور دارد راهکارهایی برای بیان نظرات خود در راستای اصلاح سیاست‌ها به صورت نظام‌مند در اختیار دارد. مضاف بر اینکه آقای ظریف به خوبی از این ظرفیت‌ها استفاده کرده و می‌کنند و به طور کلی کارکرد برگزاری جلساتی چون شورای عالی امنیت ملی برای طرح چنین دیدگاه‌ها و اختلاف‌نظراتی است. علاوه بر این یکی دیگر از ظرفیت‌های موجود، نامه‌نگاری با رهبر انقلاب است که مقامات امنیت ملی کشور از آن استفاده می‌کنند و مطالب مندرج در آن نامه‌ها نیز طبعاً دارای درجه طبقه‌بندی خاصی است. بنابراین بیان اینگونه مطالب در خارج از این سیستم خلاف امنیت ملی بوده و نباید اتفاق می‌افتاد. البته اصل این حرف‌ها و بیان آنها اشتباه است چه برسد به اینکه یک مقام امنیت ملی بخواهد این مطالب را در حضور افراد دیگر به زبان بیاورد.

مطالب منتشر شده اساساً جنبه انتقال تجربه ندارد

وی افزود: اصل بیان چنین مطالبی حتی اگر از باب اینکه بیان تجربه باشد، خلاف امنیت ملی است، ضمن اینکه در فایل منتشر شده مطالبی که جنبه انتقال تجربه داشته باشد نیز وجود ندارد و صرفاً محدود به بیان برخی نقطه‌نظرات و انتقادات است. ضمن اینکه ادبیات به کار رفته در این گفتگو ضربه سنگینی برای منافع ملی نظام محسوب می‌شود. چرا که موجب تقویت ادبیات و استدلال‌های ضدایرانی شد که از سوی آمریکایی‌ها و دیگر دشمنان ایران مدام مورد تأکید قرار می‌گیرد. مثال بارز این مسئله نیز اظهارات اخیر پمپئو وزیر خارجه سابق آمریکا بود که گفت "تأثیر حمله به سردار سلیمانی را می‌توانید از ظریف بپرسید".

جمشیدی با بیان اینکه استدلال‌های مطرح شده هم جواب دارد و هم قابل‌خدشه است، گفت: بدون در نظر گرفتن جهت‌گیری‌های سیاسی برداشت بنده از علت بیان چنین مطالبی این است که برجام شکست خورده است و آقای ظریف به دنبال علت این شکست است و این علت‌یابی‌ها از سوی ایشان نیز در گذر زمان و دوره‌های مختلف زمانی تفاوت پیدا کرده است. البته قصد ورود به علت جواب ندادن برجام را ندارم ولی به شکل خلاصه علت شکست برجام را در خود برجام می‌دانم چراکه برجام توافقی نبود که به قول غربی‌ها بخواهد Deliver کند و به جایی برسد و طوری طراحی شده که ایران را همواره نیازمند دائمی حل مشکل توسط غربی‌ها نگه می‌دارد.